

پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان

از آغاز تا عصر حاضر

جلد دوم

ایران از دوره مغول تا عصر حاضر - بخش دوم

مؤلف: محمدتقی سرمدی

دکتر شادان - فر

معرفی کتاب

نام کتاب: پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از

آغاز تا عصر حاضر (سه جلد)

مؤلف: محمدتقی سرمدی

ناشر: انتشارات سرمدی

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

سال انتشار: شهریور ۱۳۷۸



تهران، شهریورماه ۱۳۷۸

مقدمه

امسال یک دوره سه جلدی کتاب «پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان» به دستمان رسید که حیفمان آمد شمارا در صفحات معرفی کتاب با آن آشنا نکنیم. مؤلف کتاب محمدتقی سرمدی در فصل اول کتاب خود با «آغازگران پزشکی و درمان» باب مطلب را می‌گشاید تا در فصل بعد به سومر و بابل بپردازد و وضعیت پزشکی و درمان را در آن تمدن‌ها مورد توجه قرار دهد. از کشورهای مصر، چین، هند، یونان تا پزشکی و درمان اسکندریه و روم به سرعت - فشرده در یکصد و بیست صفحه می‌گذرد تا به «ایران قدیم و پزشکی در آن» برسد از اینجا کتاب خواندنی‌تر و نیز تفصیلی‌تر می‌شود. طب اسلامی بخش قابل توجهی از نخستین جلد کتاب را به خود اختصاص می‌دهد و به هر حال در مجموع کتابی است خواندنی (برای آگاهی از پیشینه حریفه پزشکی و داروسازی هر علاقه‌مندی به این حرفه باید آن را ورق بزند و بخواند). در سومین جلد کتاب - فصل هفتم - نوبت داروسازی در ایران می‌شود. این فصل از کتاب را برای شما برگزیده‌ایم. امیدوارم با مطالعه همین یک فصل، به سراغ کتاب اصلی بروید. موفقیت نویسنده پر تلاش کتاب را آرزو می‌کنیم.

داروسازی در ایران

در جلد نخستین نوشتیم که پیشوایان مذهبی بیشتر از همه در طب و طبابت شهرت داشتند. بدین جهت نام بیماری‌ها و شیوهٔ معالجه آنها در معابد نگهداری می‌شد و کاهنان و رهبران مذهبی حافظ و نگهبان اسرار پزشکی و داروسازی بودند و در مجموع پزشکی و درمان در دست کاهنان و جادوگران و اطبا بود. سپس با پیدایش علوم مانند ریاضی و فلسفه و منطق، از زمان بقراط به تدریج طب از جادو و ادعیه و اوراد جدا شده و نظیر سایر علوم بر پایه و اساس منطق استوار گردید. هم‌چنین متذکر شدیم که در تمدن اسلامی توسط ابن ربن طبری، ابوبکر محمد زکریای رازی، ابوعلی سینا، اهوازی، سید اسماعیل جرجانی، بیرونی و ابومنصور موفق‌الهروی و امثال آنها طب و داروسازی پیشرفت کرد و به شهرت جهانی رسید به طوری که سال‌ها آثار برخی از آنها در جهان کتب درسی مدارس طب بود. سپس به علت عدم وجود وحدت و یگانگی در میان ملل مسلمان و حمله و حکمرانی چنگیز و تیمور و جانشینان آنها این پیشرفت متوقف گردید و بسیاری از علما و اطبا سرزمین‌های اسلامی به ویژه ایران راه مهاجرت را پیش گرفته و به دیار دیگر رفتند.

در دورهٔ صفویه داروسازی صاحب اعتباری گردید و کتب زیادی در این زمینه نوشته شد که از آن جمله‌اند: اختیارات بدیعی، علاجات داراشکوهی، خلاصه‌التجارب، تحفهٔ حکیم مومن و چند اثر دیگر. تا این تاریخ اطبا در هر دو رشته پزشکی و داروسازی متبحر بودند و جدایی بین آن دو وجود نداشت. برای آموختن پزشکی و داروسازی مدرسه و دانشکده وجود نداشت هر فردی نزدیکی از استادان شاگردی می‌کرد و همین

قدر که به رموز کار آشنایی می‌یافت به طور مستقل مشغول کار می‌شد. اغلب اندام‌های مختلف گیاهی به عنوان دارو توسط حکیم‌باشی‌ها تجویز می‌شد و به وسیلهٔ عطاری‌ها که نقش داروساز داشتند و در عطاری‌ها اشتغال به کار داشتند تحویل بیماران می‌شد.

عطاری دکانی بود با قفسه‌بندی کامل تا زیر طاق که از کثرت و فشار جنس جای خالی در آن دیده نمی‌شد، به این صورت که زیر قفسه تا یک ذرع از زمین بالا آمده، کشوها و جعبه‌ها در ابعاد یک در دو و جب و کم و زیاد پهلوی هم جاسازی شده بود که در آنها انواع دارو و گل و گیاه ریخته می‌شد. بالای آنها قفسه‌های مختلف‌الاضلاع از بیست تا پنجاه سانت ارتفاع بود که در آنها نیز قوطی‌های حلبی و شیشه‌ای محتوی انواع دارو و گل و برگ و ریشه و تخم و دانه و گردو حب و شیاف و امثال آنها وجود داشت. بالاتر از قفسه‌های مزبور امتعه اجناس غیر دارویی مانند حنا و سدر و صابون و رنگ و روناس و چای و قهوه و کله قند چیده می‌شد. بالاتر از آنها غرابه‌های انواع عرق‌های بیدمشک و نعنا و بید و نسترن و کاسنی و چهار عرق و گلاب و غیره قرار داشتند. در وسط، اطراف، پایین و جلوی دکان عطاری کیسه‌های فلفل و زردچوبه و گل گاوزبان و برگ بید و پوست بید، لیمو خشک و امثال آنها چیده می‌شد. از امتعه دیگر عطاری مایهٔ پنیر و کدوهای خشک بوستانی و جنگلی و لیف و جوز و قرص کمر و نخ کشیده و غیره بود.

در هر عطاری غالباً یک پیشخوان وجود داشت که داخل دکان را از خارج مجزا می‌کرد. روی پیشخوان ترازو و طشتک سنگ و ترازوی دقیق (ترازوی زرگری) و طشتک‌های محتوی زردچوبه و دارچین و فلفل کوبیده قرار داشت.



دو فروش دوره گرد در حال توزین داروی گیاهی با ترازوی مثقالی.

به جز عطاری‌ها که در دکان‌ها مستقر بودند دوافروشی‌های خرده‌فروش هم بودند که کیسه‌های کوچک و بزرگ دوا و درمان را می‌چیدند و به طبابت و نسخه‌پیچی می‌پرداختند^۱.

داروسازی جدید

شاید بتوان ورود «پرسیمون موردلس» سفیر پادشاه اسپانیا به دربار سلطان محمد خدابنده پادشاه صفوی را آغاز رواج علوم جدید در ایران دانست. بعد از آن در دوره قاجاریه عباس میرزا انایب‌السلطنه در سال ۱۲۲۶ هجری قمری چهار نفر و چهار سال بعد ۵ نفر را برای تحصیل دانش‌های نوین به اروپا اعزام داشت. معروف‌ترین محصلین اعزامی که پزشکی آموخت و به ایران بازگشت و آن را رواج داد میرزا بابادکتر بود. حکیم قُبلای کتابی درباره بیماری‌ها و درمان آنها با داروهای جدید نوشته است.

با آغاز کار مدرسه دارالفنون، نخستین آزمایش‌های شیمی به شکل امروزی در آن انجام شد. همان‌طور که پیش از این ذکر شد، ناصرالدین شاه پس از مراجعت از فرنگ در سال ۱۲۹۰ دستور داد به سبک فرنگ و بر اساس علوم جدید بیمارستانی بنا نهند و ناظم‌الاطباء^۲ را مأمور تأسیس این مرکز درمانی کرد. وی پس از تأسیس «مریضخانه دولتی» هشت سال ریاست آن را بر عهده داشت و داروهای داروخانه آن را نیز غالباً داروهای جدید تشکیل می‌دادند و به «عطارخانه بیمارستان» شهرت داشت.

در دارالفنون قسمتی به نام طب و داروسازی وجود داشت. در این مدرسه دروس به سه قسمت تقسیم می‌شد: طب ایرانی، طبیعیات و داروسازی و طب اروپایی.

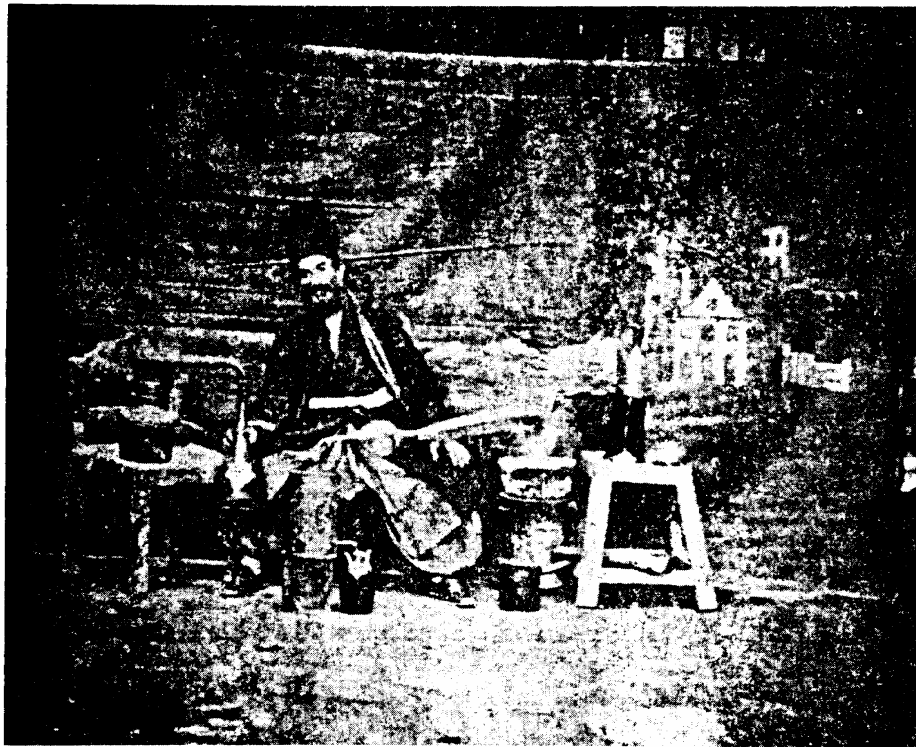
در فصل دارالفنون آمده طب ایرانی توسط

میرزااحمد طبیب کاشانی تدریس می‌شد؛ طبیعیات به وسیله دکتر «فوکتی» درس داده می‌شد؛ و وظیفه دکتر پولاک تدریس طب اروپایی بود و پس از او دکتر شلیمر هلندی به تدریس این رشته پرداخت. دکتر فوکتی که متخصص داروسازی بود نخستین آزمایشگاه جدید شیمی را در ایران به وجود آورد.

جداشدن داروسازی از طب

در محرم سال ۱۳۳۷ هجری قمری (۱۲۹۷ هـ ش.) دکتر لقمان‌الدوله از طرف احمدشاه به ریاست قسمت طب دارالفنون منصوب شد و برای اولین بار کلاس طب به نام مدرسه طب خوانده شد که محل جداگانه‌ای در حیاط دارالفنون به آن اختصاص یافت. بعد از فوکتی، «شوربن» آلمانی و «مولیون» فرانسوی از سوی دولت استخدام و مأمور تدریس طبیعیات و داروسازی گردیدند و هر یک داروخانه‌ای نیز طبق اصول و ضوابط جدید در تهران دایر کردند.

لازم به توضیح است بعد از آن که قرارداد استخدامی فوکتی خاتمه یافت یکی از شاگردانش به نام میرزا کاظم خان محلاتی که در همین سال از اروپا مراجعت کرده بود به جای وی مشغول کار شد؛ وی تا سال ۱۳۱۳ هجری قمری که سال فوت اوست به این شغل اشتغال داشت؛ پس از او مسیور کبرن با معرفی دکتر تولوزان (پزشک ناصرالدین شاه) معلم طبیعیات و داروسازی شد و شوربن بعد از مسیور کبرن به تدریس پرداخت. از طرف دیگر عده‌ای از داروسازان تحصیل کرده خارجی نیز به ایران آمدند و به این فن اشتغال ورزیدند از آن جمله دکتر پاپاریان (از ترکیه)، گارنیک (از ترکیه)، نباطی (از آلمان) و دکتر پطروسیان (از سوئیس) را می‌توان نام برد.



میرزا بزرگ خان داروساز سلطنتی قاجار

آزمایشگاه تحقیقاتی و دانشکده داروسازی

در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی یک داروساز فرانسوی به نام «گوستاویوکننت» که سرگرد ارتش فرانسه بود به عنوان رئیس آزمایشگاه و داروساز شاه قاجار به استخدام ایران درآمد. او در تکیه دولت یک آزمایشگاه شیمی دایر کرد و درباره آب‌های معدنی مطالعاتی انجام داد و نتیجه مطالعات خود را به سال ۱۹۰۶ میلادی در پاریس به چاپ رسانید. در آزمایشگاه او داروسازان متعدد ایرانی گرد می‌آمدند و دکتر

عباسعلی قریب دروس او را ترجمه می‌کرد. پس از چندی این آزمایشگاه تعطیل شد.

در سال ۱۳۴۱ هجری قمری (۱۳۰۱ ه.ش.)، نخستین مدرسه داروسازی به عنوان شعبه‌ای از مدرسه طب تأسیس گردید و این در حالی بود که ۶۹ سال از تأسیس دارالفنون می‌گذشت و تنها استاد مدرسه دکتر «پاپاریان» اهل ترکیه بود. طبق پیشنهاد دکتر پاپاریان برای ورود دارو به ایران موافقت اداره کل صحتیه و سندیکای داروسازان اجباری گردید. در سال ۱۳۰۳ شمسی شعبه مدرسه طب و

- آروسانی به محل آموزش و پرورش در نزدیک بهارستان منتقل شد و در سال ۱۳۰۵ دوره مدرسه آروسانی سه سال و شرط ورود به آن مدرک سه ساله متوسطه بود. در سال ۱۳۰۹ دوره آروسانی به پنج سال افزایش یافت و در سال ۱۳۱۳ با تأسیس دانشگاه تهران شرط ورود به رشته آروسانی داشتن دیپلم کامل متوسطه و -ورده دکترای آروسانی سه سال پس از دیپلم شد. در سال ۱۳۱۸ دوره تحصیل از سه سال به چهار سال افزایش یافت و در سال ۱۳۲۳ دوره تحصیل آروسانی پنج سال شد و این کار عملاً در سال ۱۳۳۰ به اجرا درآمد و سرانجام فارغ التحصیلان دوره شش ساله آروسانی در سال ۱۳۵۲ وارد بازار کار شدند (جهت ملاحظه نمونه‌های دکترای آروسانی و پروانه آروسانی به فصل مربوط به دانشکده پزشکی و دانشگاه تهران همین کتاب رجوع شود).

تاریخچه داروخانه

به طوری که در فصل‌ها و مباحث مختلف این کتاب ذکر گردید در گذشته داروهای گیاهی و سنتی بودند که توسط حکیم باشی‌ها تجویز شده و به وسیله عطاریها به بیماران تحویل می‌شد و وضع بدین منوال بود تا آن که نخستین «مریضخانه دولتی» پس از مراجعت ناصرالدین شاه از فرنگ در تهران تأسیس گردید. مریضخانه مزبور که به سبک جدید اداره می‌شد یک دواخانه داشت و دو نفر به نام‌های «میرزا فرهاد» و «میرزا عنایت‌الله» در آن داروخانه کار می‌کردند منتهی چون اغلب مجیز به داروهای گیاهی بود به عنوان عطاریخانه در یک بیمارستان جدید محسوب گردیده و به این نام مشهور بود.

نخستین داروخانه به سبک جدید توسط شوربن آلمانی، معلم آروسانی دارالفنون و داروساز مخصوص ناصرالدین شاه در خیابان ناصرخسرو تأسیس شد و آغاز به کار نمود، «مسیوایگن یونانی» کنسول افتخاری نروژ نیز در داروخانه شوربن مشغول به کار شد.

سپس داروخانه دیگری در زمان سلطنت مظفرالدین شاه توسط «مولیون» فرانسوی معلم طبیعیات و آروسانی دارالفنون دایر شد. بعداً نیز دو نفر از ارامنه ترکیه به نام‌های «پاپاریان» و «گاریک دی گی جیان» هر کدام داروخانه‌ای در تهران افتتاح نمودند. سپس داروسازان ایرانی به تقلید از استادان خود در تهران و شهرستان‌ها اقدام به تأسیس داروخانه نمودند و با افزایش جمعیت تعداد آنها نیز رو به تزاید گذاشت.

داروخانه‌هایی که قبل از سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در تهران تأسیس شدند به قرار زیر هستند:

داروخانه پاستور	داروخانه شرق
داروخانه خیریه	داروخانه خورشید
داروخانه جاوید	داروخانه سیروس

داروخانه‌هایی که بعد از سال ۱۳۰۰ شمسی

تأسیس شدند عبارت بودند از:

۱- «داروخانه شبانه» که جزو مؤسسات بلدی بود و در ضلع شرقی میدان سپه قرار داشت. یک نفر داروساز شب‌ها در این داروخانه انجام وظیفه می‌کرد.

۲- داروخانه سپه که دولتی بود و برای رفع احتیاجات ارتش از ۳۰ فروردین ۱۳۱۱ هجری شمسی آغاز به کار نمود.

داروخانه‌های دیگر نیز به شرح زیر بودند:

۱- داروخانه مریضخانه دولتی.
۲- داروخانه مریضخانه بلدی شماره یک.

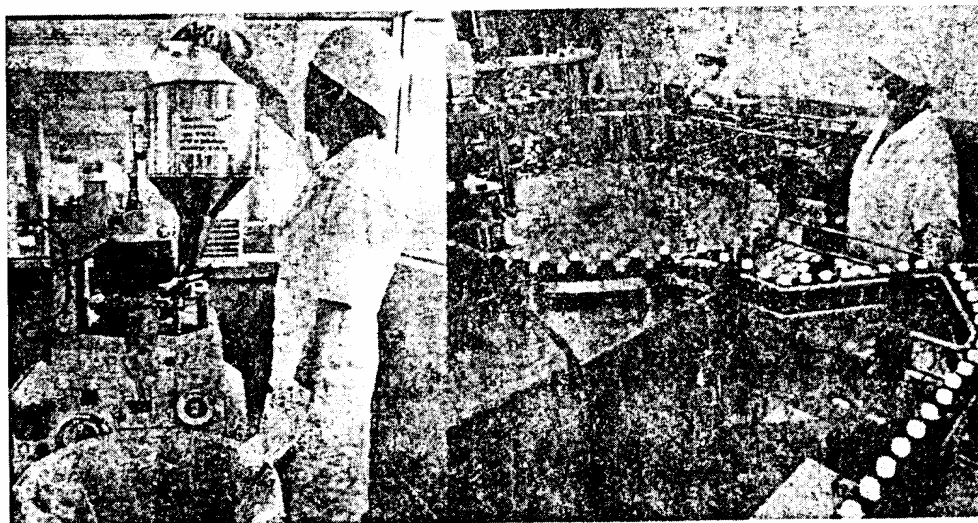
۳- داروخانه بیمارستان روزبه.
 ۴- داروخانه مریضخانه بلدی شماره دو (بیمارستان فارابی).
 ۵- داروخانه بیمارستان نسوان (زنان).
 ۶- داروخانه نظامی واقع در خیابان چراغ برق که توسط دکتر هوشنگ نظامی از فارغ التحصیلان دانشکده داروسازی پاریس تأسیس شده بود. در این داروخانه الکسیر یا شربت ادهم تهیه شد که فروش نسبتاً خوبی داشت.
 هم چنین از داروخانه پاستور به مدیریت موسی طوب باید یاد کرد که خمیر دندان و قرص ترک تریاک می ساخت.

برخورد مردم با نخستین داروخانه فرنگی تهران

داروخانه شوربین آلمانی تحت عنوان نخستین دواخانه دارالخلافه در خیابان ناصریه (ناصرخسرو امروزی) قرار داشت. این خیابان را

در سال ۱۲۸۲ هجری قمری پس از پر کردن خندق شرقی ارگ به وجود آوردند. شمال خیابان ناصریه ابتدا باز نبود تا آن که در سال ۱۲۸۴ هجری قمری آن را به میدان توپخانه باز کردند و دروازه‌های به نام دروازه ناصریه برای آن ساختند (محل دروازه پهلوی ساختمان پست و تلگراف کنونی) بود. توسعه و آبادانی آن از سال ۱۲۸۹ هجری قمری توسط امین حضور انجام گرفت و آن را به صورت یکی از خیابان‌های خوب آن زمان درآورد. این خیابان نیز مانند باب همایون دارای درخت‌های انبوه بود و نهرهای آب در دو طرف آن می‌گذشت.

از بناهای معروف ناصریه مدرسه دارالفنون، عمارت شمس‌العماره و عمارت کامران میرزا نایب‌السلطنه را می‌توان نام برد که دو ساختمان اولی و دومی هم اکنون باقی است اما ساختمان سومی به مجتمع ساختمان‌های وزارت دارایی اختصاص یافته است.^۳



یک لابراتوار داروسازی نوین

خلاصه در بهترین خیابان پایتخت ایران، در همسایگی خانه شاه داروخانه شوربن دایر شده بود که دواهای اروپایی می فروخت. در اوایل کار مشتریان این داروخانه اروپاییان مقیم تهران و اعضای سفارتخانه‌ها بودند، اهالی بومی خیلی کم با این مکان درمانی سر و کار داشتند مگر این که خیال مسخرگی و آزار و اذیت داشته باشند، به این طریق که چون داروهای فرنگی را «جوهر داروهای ایرانی» می دانستند جهت تحقیر داروهای فرنگی روزی یکی مراجعه کرده «جوهر گندم» «نادیپانه مدفوع آدمی» می طلبید و وقتی شوربن بیچاره و بی خبر اظهار ناآشنایی با داروی مورد درخواست می کرد، از میان دستمال یا کاغذ مدفوع خشک یا تری بیرون آورده می گفت: «از این نوع جوهر گندم می خواهم.» روز دیگر فردی به او مراجعه کرده و «کپسول ریش دراز» می خواست، وقتی شوربن اظهار بی اطلاعی می کرد «پشکل بز» نشانش می داد. یکی می آمد «قرص قمبره» (خمپاره) از شوربن می خواست و چون مدیر داروخانه تحقیق می کرد از پایین صدایی درآورده و فرار می کرد.

از جمله این مسخرگی‌ها و اذیت و آزارها روزی شخصی شرط می بندد که وسط داروخانه شوربن رفع حاجت کند. بدین ترتیب به داروخانه شوربن مراجعه کرده و درخواست نفت می کند و چون شوربن می گوید نفت ندارد، او در جوابش می گوید: به دواخانه‌ای که نفت ندارد باید تغوط کرد و سپس تنبانش را پایین کشیده وسط داروخانه تغوط می کند. برخی می نویسند این شرط برای سه بار بوده است و بدین صورت: شوربن برای آن که بار دیگر به این محظور برنخورد نفت هم می آورد و شخص مزبور روز

دیگر می آید و باز هم سراغ نفت می خرد و شوربن این بار جواب مثبت داده از او طلب ظرف می کند و آن مرد می گوید در دواخانه‌ای که قاضی دواها نفت بگذارد باید تغوطش کرد؛ تا مرتبه سوم که وارد می شود و از مدیر داروخانه نفت می خواهد شوربن می گوید: تو چه کار به داشتن و نداشتن داری؟ کارت را بکن و غایله را ختم کن!

«این تنها کاسب فرنگی بود که توانسته بود با این احوال و مشکلات مقاومت داشته خودش را حفظ کند، اما در عوض توسط همین کارها که با وی و داروخانه‌اش می شده تعریفش به این سو و آن سو می رسید، در اندک زمانی چنان معروفیت یافت و شهرت پیدا کرد که از جمله سرشناس‌ترین موسسات درآمد که شاید با مخارج سنگین اعلان و خرج تبلیغ هرگز نتوان به آن شهرت رسید»^۴.

زیر نویس:

- ۱- تهران قدیم، جعفر شهری، جلد دوم، انتشارات معین، تهران، ۱۳۷۱، صفحه ۲۷۹-۲۸۰.
- ۲- ناظم‌الاطباء در سال ۱۲۸۹ هجری قمری از دارالفنون فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۲۹۰ هجری قمری که ناصرالدین شاه از نخستین سفر فرنگ برگشت به پیشنهاد میرزا حسین خان مشیرالدوله دستور ایجاد یک بیمارستان به سبک اروپایی به ناظم‌الاطباء داد. بدین ترتیب وی نخستین بیمارستان جدید را در ایران تأسیس نمود و تا ۱۲۹۸ هجری قمری ریاست آن را عهده‌دار بود. سپس، بعد از کناره‌گیری از ریاست بیمارستان دولتی (سینا) با میرزا حسین خان مشیرالدوله که مامور تولیت آستان رضوی شده بود به مشهد رفت و در آنجا بیمارستان رضوی را از موقوفات آن آستان تأسیس کرد. و آن هم دومین بیمارستانی بود که به روش اروپایی در ایران تأسیس گردید (به نقل از مجله یادگار، سال سوم، شماره چهارم، تهران، فروردین ۱۳۲۴ شمسی، صفحه ۵۶-۵۷).
- ۳- تاریخ تهران، عبدالعزیز جواهر کلام، انتشارات کتابخانه مسنوحه‌چهری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۷، صفحه ۱۲۵-۱۲۶.
- ۴- تهران قدیم، جعفر شهری، جلد اول، صفحه ۶۱-۶۲.